

## بازنگری پست دراماتیک اینشتین روی ساحل - صحنه قطار ساخته رابرت ویلسون<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

مترجم و گردآورنده:

مصطفی انور<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه نمایش، دانشگاه کمال الملک، نوشهر، ایران.

محمد حاجی دیزجی<sup>۳</sup>

کارشناسی ارشد، گروه مهندسی کامپیوتر، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

### چکیده

در این مقاله مشاهده می‌شود که نمایش اینشتین روی ساحل<sup>۴</sup> ساخته کارگردان معروف رابرت ویلسون، با وارد شدن به عمق پست دراماتیک، از فیلتر پست دراماتیک صحنه قطار عبور می‌کند. تصاویر، رقصندگان، نور و موسیقی صحنه که به کمک شکست دراماتیک و از طریق عناصر پست دراماتیک مورد بررسی قرار خواهند گرفت. برای این کار، لازم است ابتدا عناصر تئاتر دراماتیک را بشناسیم، سپس به تحلیل چگونگی شکسته شدن این عناصر در بعد پست دراماتیک بپردازیم؛ زیرا در تئاتر پست دراماتیک، ما واقعاً می‌بینیم که تئاتر دراماتیک چیست. همان‌طور که لمان بیان می‌کند، ما نمی‌توانیم اصطلاح پست دراماتیک را با همین اصطلاح توصیف کنیم، ولی می‌توانیم دراماتیک را با چرخش تخیلی یا اجرایی توصیف کنیم. موضوع مربوطه، یک اپرای طولانی است که درباره بیرون آمدن اینشتین از یک عکس ساحلی معروف نیست. برخی از جزئیات مهم، از ظاهر اینشتین گرفته تا برخی از نظریه‌های او، به یک نمایش تصویری تبدیل شده‌اند. خلاصه اطلاعات غنی‌سازی تصاویر که یکی از اساسی‌ترین نتایج پست دراماتیک و شناخته‌شده‌ترین فن رابرت ویلسون است، با اجرای رقصندگان روی صحنه، شکستن متن بازی و هم‌چنین آوردن مخاطب به یک توهم در ابعادی متفاوت، همگی در یک عنوان توضیح داده خواهند شد.

<sup>۱</sup> Postdramatic review of the einstein on the beach / train scene by Robert Wilson, Interdisciplinary Art and Education, 2020.

<sup>۲</sup> ایمیل: Mostafaanvar27@gmail.com

<sup>۳</sup> ایمیل: Hdiz.mohammad@gmail.com

<sup>۴</sup> Einstein on the Beach

خواننده و به نمایش پست دراماتیک آمده است، می‌تواند استدلال کند که متن پس از تولید، بیش از حد شکسته شده است و دیگر معنایی در صحنه باقی نمانده است.

در این مقاله، صحنه «قطار» از نمایش اینشتین روی ساحل ساخته رابرت ویلسون، از نظر عناصر پست دراماتیک بررسی خواهد شد. هر مرحله مروری، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه اینشتین معنای پست دراماتیکی به صحنه داده شده است که از هر عکس ساحل الهام گرفته شده است.

اپرای اینشتین در ساحل در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۶ به کارگردانی رابرت ویلسون و آهنگ‌سازی فیلیپ گلس در جشنواره آوینیون فرانسه برگزار شد. این نمایش بعدها در سال ۱۹۸۴ در تئاتر پریستون مک کارتر نیویورک و سپس در سال ۱۹۹۲ در نیوجرسی و در نهایت در اپرای برلیوز فرانسه در سال ۲۰۱۲ نیز به اجرا درآمد. شامل ۴ قسمت بوده و در پایان هر قسمت، مقداری استراحت در نظر گرفته شده است. این چهار قسمت با نام‌های «قطار»، «محاکمه»، «فضا» و «سفینه فضایی» مشخص شده‌اند. پس از اولین بخش استراحت، مرحله «قطار» که حدود ۲۵ دقیقه طول می‌کشد، به صحنه می‌آید. صحنه قطار همراه با تئاتر پست دراماتیک در طول مقاله با این ایده که صحنه معنادارترین عنصر تفسیر شخصی است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس مرحله «محاکمه» آغاز می‌شود. در این از نمایش، برای اولین بار اینشتین را می‌بینیم که ویولن در دست دارد. سایر بازیگران ثابت و بی‌صدا اینشتین را همراهی می‌کنند. یکی دیگر از عناصر مهم این صحنه، متن آن است که می‌توان آن را عنصری دراماتیک دانست. با این حال، وقتی که به متن به دقت گوش داده می‌شود، متوجه می‌شویم که شعر و تخیل در متن غالب است. ایده آنتونین آرتو را می‌یابیم که می‌توان آن را به عنوان «گذر از متن نویسنده به متن تولید» تفسیر کنیم و جنبه دستوری نمایشی و یا شاعرانه را به عنوان نیاز تئاتر تصاویر رابرت ویلسون تفسیر کنیم، بنابراین با زبانی جدید مواجه می‌شویم. از آنجایی که متون مرتبط با شعر و تصویر نوشته می‌شوند، مخاطب با تصاویری مطابق با تئاتر تصاویر ویلسون مواجه شده و مانند تئاتر پست

برای متمایز ساختن دراماتیک از پست دراماتیک، باید ابتدا دراماتیک را به خوبی تحلیل کرد؛ زیرا بدون جذب عناصر اساسی و صوری متن که در دراماتیک ضروری هستند، ممکن است دلیل شکسته شدن متن را متوجه نشویم. علاوه بر این، ممکن است نتوانیم بدون نادیده گرفتن بازنمایی طبیعی در متن دراماتیک و نیز وظیفه مهم نمایشنامه، از اجرای پست دراماتیک صحبت کنیم؛ بنابراین، تأکید دراماتیک در وحدت رویداد، زمان و مکان در بسیار متفاوت از پست دراماتیک می‌باشد!

در این مرحله، لازم است به نسخه اصلاح شده دراماتیک و نه پست دراماتیک نمایش «تئاتر پست دراماتیک» هانس-تیس لمان و نیز ایده متن و اجرا از طریق مقاله منتشر نشده دانشگاهی اینشتین، ساخته رابرت ویلسون، اشاره کنیم.

فاصله از معنا در نمایشنامه و اجرای پست دراماتیک، متفاوت با فاصله زیاد بین تماشاگر و تئاتر نیست. شاید مخاطب پس از صحنه پردازی نمایش، بتواند ارتباطی بین رویدادی که روزی تجربه کرده و محصول پست دراماتیکی که در آن لحظه تماشا می‌کند برقرار کند.

در پست دراماتیک، همیشه یک عنصر را شکسته می‌شود. این عنصر نباید متن و نوشته بازی باشد؛ چون هر متن نمایشی را می‌توانیم به صورت نمایشی روی صحنه بگذاریم. با این حال، ما نمی‌توانیم برعکس این قضیه فکر کنیم. برخی یا همه عناصری که در پست دراماتیک، دراماتیک هستند ممکن است شکسته شوند. برای مثال، گسست متن دراماتیک در پست دراماتیک، نمایش متفاوتی از اجرای تئاتری فراتر از فضای شنیداری، بصری و زمانی را ارائه می‌دهد. ما این متن را مثلاً متن منظره در نمایش تصاویر رابرت ویلسون همراه با گرترو استاین می‌نامیم. تمام عناصر صحنه مانند یک منظره درهم تنیده شده و معنا را تشکیل می‌دهند؛ اما در بسیاری از تولیدات بدون فضا که می‌تواند فراتر از زمان یا واقعیت باشد، مخاطب متوجه می‌شود که چیزی از متن متوجه نمی‌شود، یا مخاطبی که قبلاً یک متن دراماتیک را

دراماتیک، این وظیفه مخاطب است که معنی را برای خود القا کند.



شکل ۱: اینشتین روی ساحل، قسمت محاکمه

و هر از چند گاهی، شکل ادراکی نمایشگر آشکار می‌شود. اینجا عامل بازهم بدن انسان است. باین‌حال، این بدن به‌جای خدمت به صحنه، در خدمت تصویر و موسیقی است و گاهی بدن و اندام‌های آن میز اساس متن می‌شوند.

در تئاتر مذکور اکثراً متنی وجود ندارد و انضمامی نیست. درحالی‌که همه این‌ها حساب‌شده است، یکی از اولین نام‌هایی که به ذهن می‌رسد رابرت ویلسون است. تئاتر ویلسون از جنبه تصویر و صدا متمایز است. این عناصر که به‌موازات یکدیگر هستند، در صورت تفصیل از یکدیگر جدا می‌شوند. هدف در اینجا روشن است.

کارهای ویلسون از متن متفاوت است. بیننده صحنه‌ای بصری را تماشا می‌کند، تجربه می‌کند و سعی می‌کند آن را تفسیر کند. با نگاهی به نتیجه، احتمال زیادی وجود دارد که نظرات مخاطبان بی‌شماری به‌دست‌آمده باشد. این نشان می‌دهد که تئاتر ویلسون چقدر متنوع است. در این تئاتر ممکن است

پس از مرحله محاکمه، بخشی به نام «فضا» وجود دارد که شامل صحنه کشتی فضایی است. در این بخش، پیش‌نویسی که در آن نمایش وزن پست دراماتیک می‌گیرد، دیده می‌شود. اینشتین به همراه هشت رقصنده به رهبری لوسیندا چیلز می‌رقصد! در این قسمت که موسیقی، متن، نور و رقص وزن بیشتری پیدا می‌کند، اینشتین توسط تماشاگران دیده می‌شود.

هم‌چنین لازم به ذکر است که کارگردان این کار، رابرت ویلسون است. با پیشرفت جریانات جدید، فن‌واژگان نوین و درک دکور، موسیقی و اجرای تئاتر، می‌بینیم که تغییراتی در صحنه، نظم و به‌طور کلی فنون نوشتاری ایجاد شده است. طرح در تئاتر دیگر در یک نظم سلسله‌مراتبی نیست. شخصیت‌ها با جزئیات به تصویر کشیده نشده‌اند. حتی اگر در زمان تماشا در تئاتر حضور نداشته باشد، قدرت یادآوری ارائه با رویدادهای زیادی که به‌صورت ناخودآگاه یا پس از ارائه تجربه می‌شوند، توسعه یافت. هرازگاهی بر صحنه، باران تصاویر که دنیایی از تصویر است، ادراکی فراتر از زمان و مکان را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد

نشود. در عوض، اعمال دنیوی در اطراف درخت، یعنی تصاویر و بدن، ارائه می‌شود.

توضیح داده نشود که درخت چگونه شکوفا می‌شود یا رنگ چگونه به وجود آمده است. اگرچه گفته می‌شود، اما ممکن است درک



شکل ۲: اینشتین روی ساحل، قسمت سفینه فضایی.

### صحنه قطار در نمایش اینشتین روی ساحل از منظر پست دراماتیک

تئاتر پست دراماتیک، زیبایی‌شناسی جدیدی را به هنر نمایشنامه آورده است. در این زیبایی‌شناسی، ممکن است انبوهی از نشانگرها (باران تصاویر) یا کمبود نشانگرها به موازات منطق پیتر بروک وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین عناصر در پست دراماتیک، تصویر است. دلیل این امر این است که در تئاتر پست دراماتیک، تصویر و تئاتر، بیشتر آن‌گونه که از کارگردان معروف رابرت ویلسون دریافت می‌کنیم، با شکستن تأثیر متن نمایشنامه و گفتارها، به منصفه ظهور رسیده است؛ و این مسئله، همان‌طور که در قسمت قبل اشاره شد، بعد دراماتیک را کاملاً می‌شکند.

تصاویر می‌توانند هدف رفتن کارگردان و نویسنده یا عدم حضور او را آشکار کنند. حتی می‌توانند کل نقشه را برای تماشاگر آشکار کنند. یک نویسنده و کارگردان نمایشنامه می‌تواند هر تصویر را در هر نمایشی به‌گونه‌ای تفسیر نماید که مخاطب را

وقتی به شکل و ساختار نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که بسیاری از چیزها در فضا در تقابل هستند. اگر بگوییم که شاید این تضادها عمدی هستند، چندان در اشتباه نباشیم. این تضاد را از هر عنصر صحنه تئاتر ویلسون می‌شود دید. اگر فضا را رها کرده و به نور فضا روی بیاوریم، به مهم‌ترین صحنه تئاتر ویلسون می‌رسیم. اینجا تجهیزات فنی به‌ویژه نور، بصری‌ترین عامل قدرت در این تئاتر است. با تماشای هر اثر ویلسون می‌توانیم بفهمیم که فن و به‌خصوص نظم نور برای نمایش بصری تصاویر چقدر مهم می‌باشد.

جایگاه رابرت ویلسون در تئاتر پست دراماتیک در صحنه قطار اینشتین روی ساحل، به دلیل تراکم مثال‌زدنی و تخیلی آن، با عناوین خاص و برخی نقاشی‌های شخصی موردبررسی قرار خواهد گرفت.

است از ستون‌های صدا آورده شده است. این تمایل ویلسون را برای ارائه واقعیتی جدید در برابر واقعیت روی صحنه نشان می‌دهد، واقعیت جدیدی که واقعیت را می‌شکند. این توهم که ما به آن عادت نداریم، واقعیت دراماتیک را می‌شکند، زیرا مخاطب سردرگم است. باین‌حال، باید مطمئن باشیم که این سردرگمی جایی در زندگی روزمره معنا پیدا می‌کند.

همان‌طور که مشخص است، یک نظم سلسله مراتبی در صحنه وجود دارد. رویدادی شروع می‌شود، توسعه می‌یابد و به پایان می‌رسد. باین‌حال، نظم سلسله مراتبی می‌تواند مختل شود.

سردرگم کند و یا می‌تواند همان چیز را بدون هدف قرار دهد. تصویر یعنی شکستن واقعیت روی صحنه، زیرا تصویر به این معناست که بیننده بدون انجام تفسیر از یک موقعیت انتزاعی به موقعیت دیگر گذر کند.

### فیلتر پست دراماتیک صحنه قطار

وقتی بخش قطار اینشتین در ساحل را بررسی می‌کنیم، به‌عنوان مثال، علاوه بر تصویر باران رابرت ویلسون، آهنگی که در هنگام رقص رقصندگان نواخته می‌شود، روی لبان رقصندگان خوانده نمی‌شود. نام‌ها، صداهایی که بر روی لب‌ها قابل خواندن



شکل ۳: اینشتین روی ساحل، قسمت قطار

شخصیت‌ها و کنش‌هایی وجود دارند که توسعه می‌یابند، اما در یک ساختار تکه‌تکه شده زمانی. هر شخصیت و عمل، در واقع سلسله‌مراتب عناصر دراماتیک مانند نور، موسیقی را می‌شکند. علاوه بر این، رقص‌های شخصیت‌هایی که در آن لباس‌های اینشتین روی صحنه تصور می‌شود، سلسله‌مراتب دراماتیک آن‌ها را در صحنه می‌شکند.

بدن هم‌چنین در تئاتر پست دراماتیک به‌اندازه دکور، زبان و

در صحنه قطار اینشتین روی ساحل؛ کودکی جعبه نور را در دست دارد. تصویری که ما آن را جعبه نور می‌نامیم، شاید نماینده یک ماه یا ستاره باشد. این به تفسیر شخصی در پست دراماتیک می‌رود. نوجوانی با ژاکت قرمز، هم‌زمان با کودک، در هواپیمای شخصی خود حرکاتش را به تماشاگران نشان می‌دهد. یک ماشین کار هم هست که قطار را روی صحنه می‌آورد. ماشین کار با وسیله‌اش به سفر خود ادامه می‌دهد. در بخش قطار،

پردن را در جاهایی، مکرراً تکرار می‌کند و این نشان‌دهنده همان شکست دراماتیک در این مرحله است. وقتی بیننده خود را با این تکرارها وفق دهد، دچار توهم جزئی می‌شود.

### اینشتین در منظر پست دراماتیک

وقتی نمایش ویلسون را به تفصیل بررسی می‌کنیم، می‌توانیم نظریه نسبیت اینشتین را روی صحنه ببینیم. عناصری که این نظریه را روی صحنه به ما نشان می‌دهند عبارت‌اند از زمان، تصاویر، استفاده از نور، فضا، انرژی، سرعت و حرکات. حرکت و انرژی متناسب با فضا که با نور و موسیقی این عناصر فعال است، در واقع نظریه اینشتین را ثابت می‌کند. مطابق با این تئوری، در صحنه قطار، علاوه بر حرکت هم‌زمان عناصر مربوطه، هر باریک خط نوری در پس‌زمینه ظاهر می‌شود (نور ۳ بار در کل صحنه دیده می‌شود). هر شخصیت و تصویر روی صحنه به این صورت است که نور صحنه را به دو قسمت تقسیم می‌کند. اگرچه زمان و مکان برای همه به یک‌شکل جریان دارد، متفاوت از همدیگر ادراک می‌شوند. برای اینکه فضا به‌وضوح درک شده و مفهوم فضا و زمان ایجاد شود، هر کس به‌تدریج شروع به ایجاد جایگاه خود در صحنه می‌کند. وقتی به پایان صحنه قطار می‌رسیم، دیگر همه جای خود را یافته‌اند، بنابراین بر طبق تئوری نسبیت اینشتین، عرض، طول و عمق صحنه قابل احساس می‌باشد. در این مرحله سکویی که کودک روی آن قرار دارد شروع به خم شدن به سمت فضای قطار می‌کند. هدف ویلسون در این مرحله ارائه نظریه نسبیت اینشتین است.

به این ترتیب در آخر صحنه توضیح داده می‌شود که اکثر اجسام روی صحنه خمیده هستند. نتیجه‌گیری ما این است که نور، حرکت و انرژی که از مزایای فضا هستند، نظریه نسبیت ویلسون به تحقق پیوسته است. از سوی دیگر، نگرش رؤیایی اینشتین را می‌توان با تصاویر ایجاد شده روی صحنه و نور و اجرای موسیقی منعکس کرد.

### نتیجه‌گیری

در صحنه قطار اینشتین روی ساحل، مشاهده می‌کنیم که

نور یک شاخص مهم است. این شاخص، همان‌طور که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، باید از ساختار سلسله مراتبی خالص شود. بدن هر فردی باید معنای خود را در فضای خود بیابد، یعنی فرد نیز باید از بدن رهایی یابد.

وقتی به نمایش اینشتین روی ساحل نگاه می‌کنیم، هر بدنی یک بازنمایی و فضای خاصی روی صحنه دارد. اگرچه به نظر می‌رسد رقصنده‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند، پس از مدتی می‌توان بین اعمال آن‌ها ارتباط برقرار کرد. این پیوند در واقع از تقابل حرکت و بی‌حرکتی بازیگر و بازیکن غیرفعال یا تک نفره ناشی می‌شود. در بخش قطار، بازیگر زن با پیراهن قرمز روی صحنه آهسته حرکت می‌کند و علی‌رغم حرکات سریع توسط همبازی‌هایش، وی با حرکات آهسته و خنثی در طول اپیزود روی صحنه رفته ظاهر می‌شود.

### آزمایش متنی که با پست دراماتیک گسست یافته است

باز هم باید تأکید کرد که تصاویر قدرت شکستن متن را دارند. در یک متن عمدتاً نمایشی، زمان و مکان هر تصویر یا عمل محاسبه شده‌اند. با این اوصاف، در یک اثر پست دراماتیک، تصاویر و کنش‌ها نباید نظمی هم‌زمان و همراه داشته باشند. در تئاتر پست دراماتیک بیشتر اجرا و کلام (نه لزوماً دیالوگ) غالب هستند. ما می‌توانیم برای از صحنه قطار در این مورد مثال بزنیم. یک صندلی، یک صدف دریایی، یک قطار بخار از قرن ۱۹، یک هواپیمای کاغذی، یک جعبه نور، یک لوله، یک عصا در دست بازیگر، یک روزنامه، یک نور که پس‌زمینه را در صحنه قطار روشن می‌کند.

در متون نمایشی قبل و بعد از رویداد، مکان یا زمان وجود دارند، اما لزوماً نباید در پست دراماتیک هم‌چنین باشد. زمان و عمل می‌توانند با تکرارهای زیاد ویژگی نمایشی خود را از دست بدهند، یعنی ممکن است یک وقفه دراماتیک رخ بدهد. به عنوان نمونه‌ای از تکرارها؛ یک رقصنده زن مو بلند که همان حرکت رفت و برگشت را بیش از ۱۰۰ بار در طول اپیزود تکرار می‌کند، برخلاف دیگر بازیگران، با حرکات بسیار آهسته، عملی مانند

یک عکس ساحلی معروف اینشتین تنظیم شده و در این دنیای تصاویر، زندگی و تئوری‌های اینشتین نیز افشا می‌شود. به لطف این کار، ما می‌توانیم این واقعیت را مشاهده کنیم که نوری که ساده تلفی می‌شود، برآمدگی‌هایی زیادی روی صحنه ایجاد می‌کند. نویسنده این مقاله پیشنهاد می‌کند که به تماشای یک اثر پست دراماتیک بروید تا از تأثیر این وقفه‌ها بر مخاطب جلوگیری کنید. در این صورت، خواهید دید که چگونه هر عنصر شناخته‌شده‌ای ناشناخته می‌شود و چگونه در این مجهول مجبور به یک‌روند فکری شده و مدام روی صحنه رها می‌شویم.

بعد دراماتیک شکسته شده است. شاهدی بر این امر می‌توان به‌عنوان شاهدی بر شکستن قداست متن، شکستن وحدت زمان و مکان بر اساس کنش و واکنش، بدون سلسله‌مراتب نمایشی باشد. در تئاتر پست دراماتیک، نمی‌توان چیزی شبیه به دراماتیک یافت و اکنون تحلیل تصویر، رویداد و شخصیت در پست دراماتیک به‌عنوان مخاطب بسیار دشوارتر است. در پست دراماتیک که یک فرآیند فکری را اجباری می‌کند، یک تجربه تئاتر وجود دارد که نشان‌دهنده موضوعی است که توسط تولید و نتایج پیوند هر عنصر و فرد مطرح می‌شود. این نمایش بر اساس

